



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volume: 14 Issue: 30
Spring 2023

Article Type: Research Article

Pages: 275-305

Presumption of Correctness in Qualification Assessment of Election Candidates in the Islamic Republic of Iran

Ali Velaei¹ | Rahim Nobahar^{2✉}

1. Ph.D. Candidate in Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. a_velaei@sbu.ac.ir

2. Associate Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. r-nobahar@sbu.ac.ir

Abstract

The right to vote and the right to be elected are two fundamental human rights. From the Islamic point of view, these are the significant examples of rights of the people (hagh al-nas) in the public sphere. Restriction of these rights in terms of legislation and interpretation should be justified. Guardian Council of the Iranian constitution, however, sees official positions as religious trust that must be given only to the just people. It presumes that in any kind of doubt, the lack of legal qualifications of nominees should be applied. This has resulted in the disqualification of a considerable number of nominees in different elections. This article seeks to provide a solution to guarantee and expand electoral rights based on jurisprudential principles. According to the findings of this article, the Principle of Correctness and the Presumption of Correctness could be applied during the process of qualification assessment of candidates. This, in its turn, would support nominees against different accusations and result in the limitation of subjective assessments and consequently guaranteed monitoring. Also, the article suggests a strict interpretation of legal qualifications to expand the rights and freedoms of voters and nominees and make considerable changes in the current Iranian election system. For this purpose, the article first explains the presumption of correctness and its application in the process of qualification assessment and presents the proper interpretation of candidates' legal qualifications. The article insists, in particular, the application of trust principle and presumption of correctness in subjective conditions, such as belief in and practical commitment to Islam, political regime, and the constitution.

Keywords: *Confirmative supervision, Electoral law, Presumption of correctness, Qualification assessment, Subjective qualification.*

Received: 2022/01/14 Received in revised form: 2022/08/13 Accepted: 2022/09/18 Published: 2023/03/27

DOI: 10.22034/LAW.2022.49902.3067

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



جایگاه اصل صحت در ارزیابی صلاحیت داوطلبان انتخابات

در نظام جمهوری اسلامی ایران

علی ولایی^۱ | رحیم نوبهار^۲

a_velaei@sbu.ac.ir

r-nobahar@sbu.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

۲. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

چکیده

حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن از جمله حق‌های طبیعی و بنیادین است که محدود نمودن آنها در مقام قانون‌گذاری و تفسیر قانون نیازمند توجیه است. از چشم‌انداز اسلامی نیز این دو حق از نمونه‌های مهم حق‌الناس‌اند. بنابر رویکرد حاکم در نظام جمهوری اسلامی و رویه شورای نگهبان، مناصب باید همچون امانت شرعی به افراد عادل سپرده شوند و در موارد تردید نسبت به وجود شرایط نیز اصل عدم جریان خواهد داشت. این رویه که شرایط انتخاب‌شونده را حداکثری و انتزاعی می‌کند، به رد صلاحیت تعداد قابل‌توجهی از داوطلبان در انتخابات‌های گوناگون منجر شده است. مقاله حاضر در پی ارائه راهکار و شاخصی در جهت گسترش و تضمین حقوق انتخاباتی مبتنی بر مبانی فقهی است. بر اساس یافته‌های این مقاله، کاربست اصل صحت تکلیفی و اماره صحت قانونی در فرایند بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات می‌تواند با حمایت از نامزدها در برابر اتهامات، وظیفه نظارت تضمینی را محقق سازد و ارزیابی شرایط ذهنی و کیفی را محدود نماید. همراهی اصل و اماره صحت با تفسیر مضیق از شرایط قانونی لازم، در راستای گسترش حق‌ها و آزادی‌ها قابل تحلیل است و تحولاتی را در نظام انتخاباتی ایران حتی با حفظ قوانین موجود رقم خواهد زد. به این منظور، مقاله به تعیین جایگاه اصل صحت در ارزیابی صلاحیت داوطلبان و شیوه صحیح تفسیر درباره شرایط ذهنی و کیفی انتخاب‌شوندگان می‌پردازد و بر این مسئله تأکید دارد که می‌توان از اصل صحت تکلیفی و اماره صحت قانونی در احراز شرایط ذهنی و کیفی داوطلبان انتخابات، مانند اعتقاد و التزام به اسلام و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی، بهره برد.

واژگان کلیدی: احراز صلاحیت، اصل صحت، حقوق انتخاباتی، شرایط ذهنی، نظارت استصوابی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

DOI: 10.22034/LAW.2022.49902.3067

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، شهروندان اهلیت انتخاب کردن کارگزاران حکومت را دارند و خود نیز می‌توانند به مناصب سیاسی راه یابند. عنصر جدایی‌ناپذیر دموکراسی‌های نمایندگی، آزادی انتخاب شدن است و مشخصه اصلی هر انتخابی نیز خصلت‌گزینشی آن است. برخی اندیشمندان چون رویر کولارد و اولیویه ایل^۱ قانون انتخاباتی هر کشور را قانون اساسی دوم آن جامعه می‌دانند، زیرا این قانون اندازه و چگونگی اجرای قدرت از سوی قوای حاکم و توزیع قدرت میان احزاب سیاسی را مشخص می‌کند.^۲ می‌توان نقض دموکراسی شکلی و ظاهری را در این دانست که عده‌ای از نردبان مردم‌سالاری بالا می‌روند، سپس نردبان را برمی‌دارند و گردش قدرت میان نخبگان را محدود می‌کنند. شاید از همین روست که کارل پوپر انتخابات را به جای توانایی‌گزینش مسئولان، فرصتی برای عزل مسئولان سابق معنا می‌کند.^۳ در دموکراسی‌های نوپا، اولین انتخابات، لحظه‌ای کلیدی نیست، بلکه لحظه کلیدی زمانی است که حزب برنده در اولین انتخابات شکست بخورد و ملزم به ترک دولت باشد؛ اینکه در چنین وضعیتی این حزب چه خواهد کرد مهم است.^۴

حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از حق‌های مطلق نیستند. معمولاً به‌منظور گزینش نخبگان در انتخابات، برای انتخاب‌شونده شرایط بیشتری نسبت به انتخاب‌کننده در نظر می‌گیرند^۵، اما این محدودیت‌ها نباید مانع گزینش آزاد مردم شود. بنابراین، عمدتاً در کشورهای مختلف بینش‌های فکری و سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود تا به محروم کردن گرایش‌های خاص منتهی نگردد. حق بر انتخاب شدن از بنیادی‌ترین حقوق سیاسی افراد است که ناشی از اصل اولی آزادی و حق تعیین سرنوشت بوده و محدودیت آن باید مضیق، موجه و ضروری باشد.^۶ هرچه شرایط لازم بیشتر و انتزاعی‌تر شود، قدرت دادرسی انتخاباتی

1. Royer Collard & Olivier Ihl

۲. حجت‌الله ایوبی، *پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب*، (تهران: سروش، ۱۳۸۲)، ص ۲۶۴.

3. Popper Karl, *The Open Society and Its Enemies*, (Princeton, 2013), p. 360.

4. Miller David, *Political Philosophy*, (Oxford, 2003), p. 117.

۵. برخی مانند لئون دوگی به موازنه شرایط انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده معتقد هستند و قوانین انتخاباتی فرانسه و بلژیک نیز حاکی از چنین نظری است (اسدالله یآوری، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۴ (۱۳۹۶)، ص ۲۱۵).

6. Guidelines for Reviewing a Legal Framework for Elections, Published by the OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), p. 19.

در این زمینه افزون‌تر خواهد شد و اعمال سلیقه و تصمیم پیشینی برای انتخاب‌کنندگان ممکن می‌گردد. از چشم‌انداز اسلامی نیز موارد زیادی از حق بر انتخاب شدن و انتخاب کردن، مصداق حق الناس است؛ بنابراین تعیین معیارهای تحدید این دو حق بسی بااهمیت است. زیرا افراط و تفریط در این باره زمینه‌ساز تعدی به حق الناس می‌شود. پس شرایط یادشده در قانون انتخاباتی به‌طور معمول می‌بایست کمی، عینی، قابل اثبات و دقیق باشد نه کیفی، ذهنی و مبهم.

به‌طور کلی، امور مورد اختلاف با حصر عقلی به دو دسته ذهنی^۷ و عینی^۸، و امور عینی نیز به لحاظ وجود یا فقدان میزان، به دو دسته قابل ارزیابی و غیرقابل ارزیابی تقسیم می‌شوند. امور ذهنی، سلیقه‌ای و استحسانی هستند و میزانی برای آنان متصور نیست (مثلاً آبی زیباترین رنگ است). امور عینی غیرقابل ارزیابی نیز در حال حاضر میزانی ندارند و شاید در آینده دارای میزانی شوند (مثلاً ادعای وجود هیدروژن در سیاره‌ای با فاصله ۳۹۰ میلیارد سال نوری از کره زمین). ولی امور عینی قابل ارزیابی در حال حاضر دارای معیار مشخص برای سنجش است (مثلاً وزن یک ماژیک). ناممکن بودن رفع اختلاف در مسائل اجتماعی و زندگی جمعی در امور اختلافی از نوع دو مورد اول - یعنی امور ذهنی و امور عینی غیرقابل ارزیابی - لزوم انتخابات و رأی‌گیری را موجه می‌سازد. همان‌طور که رأی‌گیری و نظر مردم در امور نوع سوم اهمیتی ندارد، عدالت می‌طلبد تا نظر اکثریت در دو نوع اول که معیاری برای ارزیابی وجود ندارد، معتبر باشد. البته انتخابات و رجوع به نظر اکثریت، با پذیرش این فرض صورت می‌گیرد که به لحاظ معرفتی وضع همه در جامعه یکسان است و نظر هیچ‌کس در این امور بر نظر دیگران رجحان ندارد. بنابراین رأی‌گیری در مورد شرایط عینی داوطلبان انتخابات که دارای میزان مشخصی برای اندازه‌گیری است، مانند شرایط مربوط به تحصیلات یا سن یا خدمت نظام وظیفه، بی‌معناست. در قوانین اکثر کشورها نیز شرایط لازم برای داوطلبان از این سنخ امور هستند، ولی تشخیص شرایط ذهنی یا عینی بدون میزان برعهده مردم قرار می‌گیرد تا رأی اکثریت آن را معین کند^۹.

7. Subjective

8. Objective

۹. مصطفی ملکیان، ایمان و تعقل، (قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸)، صص ۲۳۰-۲۳۵. ناصر کاتوزیان نیز با توجه به دشواری و عدم امکان پی بردن به درون انسان‌ها، احراز این شرایط را برعهده مردم می‌داند (روزنامه ایران، ش ۲۶۸۶، ۱۳/۱۰/۱۳۸۲).

این درحالی است که رویه شورای نگهبان نشان‌دهنده سختگیری در احراز شرایط ذهنی و کیفی داوطلبان انتخابات است؛ شرایطی که فقدان معیار برای سنجش ایجاب می‌کند تا ارزیابی آنها به شهروندان واگذار شود. بر اساس مبانی فقهی مورد قبول شورای نگهبان، گویی اصل بر فساد و انحراف افراد داوطلب است و برای خروج از ذیل این اصل، احراز قطعی صلاحیت و علم به وجود شرایط ضروری خواهد بود.^{۱۰} از این رو، همواره بیشترین موارد رد یا عدم تأیید صلاحیت مربوط به شرایط ذهنی یادشده در بندهای ۱ و ۳ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (اعتقاد و التزام عملی به اسلام، نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی و اصل ولایت فقیه) است؛ امری که به‌نوبه خود موجب تحدید ناموجه حقوق انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان می‌شود؛ حال آنکه از وظایف حکومت نسبت به شهروندان، نادیده‌انگاری و تغافل در برخی امور است^{۱۱}، نه آنکه با تفتیش و تجسس سختگیرانه، حقوق آنها را در مورد انتخابات سلب یا تحدید کند.

از آنجا که شورای نگهبان به‌عنوان نهاد ناظر بر انتخابات عمدتاً از استدلال‌های فقهی استفاده می‌کند، در این مقاله با فرض پذیرش شرایط ذهنی و کیفی یادشده در قوانین انتخاباتی، رویکرد فقهی بدیلی نسبت به احراز صلاحیت داوطلبان انتخابات مطرح می‌شود. با تغییر نقطه عزیمت و اصل اولی، می‌توان تضمین بیشتری از حق‌ها و آزادی‌ها به‌عمل آورد و مقامات عمومی را مکلف نمود مادام که دلیل موجهی در اختیار ندارند، نگرشی مبتنی بر حسن ظن نسبت به شهروندان اتخاذ کنند.

باری اغلب در مورد کاربست اصل صحت به‌عنوان مانعی در برابر تضييع حق مردم نفياً یا اثباتاً اظهار نظرهایی صورت گرفته^{۱۲}، اما کمتر از جنبه حقوقی به آن پرداخته شده است. همچنین از منظر حقوقی نیز برائت بیشتر مورد استناد بوده و استدلال به صحت در خصوص

۱۰. برای نمونه، احمد جنتی، فقیه و دبیر شورای نگهبان، معتقد است: «کاندیدا باید ایمان قلبی به نظام و قانون اساسی داشته باشد و اگر شورای نگهبان به ایمان در ذات کاندیداها نرسد، آنها را رد صلاحیت خواهد کرد» (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۲/۱۲/۱۲). همچنین محمد مؤمن، یکی از فقهای فقید شورای نگهبان، گفته است: «اگر بوی انحراف از کسی احساس کنیم، شبهه‌ای نداشته باشید که او را رد صلاحیت خواهیم کرد» (روزنامه بهار، ش ۹۶، ۱۳۹۲/۱/۲۴).

۱۱. عهدنامه مالک اشتر، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه.

۱۲. نک: حسینی منتظری، دیدگاهها، ج ۱، ص ۱۰۷، ۱۳۷۸/۰۳/۱۷؛ عباسعلی کدخدایی، اصل بر «احراز صلاحیت» است نه «احراز عدم صلاحیت»، مصاحبه سخنگوی وقت شورای نگهبان با خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰/۰۹/۰۸، قابل دسترس در سایت شورای نگهبان (www.shora-gc.ir).

داوطلبان انتخابات چندان مدنظر قرار نگرفته است. اگرچه برخی نویسندگان، بدون تبیین کافی اصل صحت، در پی انتقاد از کاربست آن در احراز صلاحیت بوده و آن را به عنوان شبهه‌ای درباره نظارت استصوابی شورای نگهبان تلقی کرده‌اند؛ درحالی که شاخص‌هایی چون صحت، براءت، تفسیر مضیق قوانین محدودکننده و بی‌طرفی نهاد ناظر در جهت حمایت از حقوق انتخاب‌شوندگان مؤثر خواهد بود.

این پژوهش با تمرکز بر یکی از این موارد و با تکیه بر روش تحلیلی-انتقادی، بررسی می‌کند که اصل صحت چگونه و با چه مفهومی و از طریق کدام‌یک از شرایط انتخاب‌شوندگان، در ارزیابی صلاحیت داوطلبان نقش دارد؟ شیوه تفسیر موجود و مطلوب از شرایط ذهنی و کیفی لازم برای داوطلب انتخابات در ایران چگونه است؟ به این منظور نگارندگان مقاله با تبیین و تحکیم اصل صحت تکلیفی و اماره قانونی صحت، به ارائه رویکردی جدید در تفسیر قوانین موجود انتخاباتی می‌پردازند. نخست، اصل صحت در اندیشه فقیهان و دانشوران اصولی بررسی شده، به کاربرد آن در متون فقهی می‌پردازند؛ سپس اماره قانونی صحت تبیین می‌شود و پیامدهای کاربست آن در احراز شرایط داوطلبان انتخابات ارائه می‌گردد.

۱. گونه‌شناسی اصل صحت و کاربرد آن در ارزیابی اعتقاد و التزام

اصل صحت که به معنای حمل فعل دیگران بر وجه حسن و مباح یا درست و تام است^{۱۳}، در بررسی لایحه اصلاح قانون انتخابات^{۱۴} سال ۱۳۸۲، با استدلال به لزوم احراز شرایط اثباتی، مورد مخالفت شورای نگهبان قرار گرفت و جنبه قانونی نیافت^{۱۵}. اصل صحت که اصلی اجماعی در میان مسلمانان، بلکه همه دین‌داران در تمام اعصار بوده و از ضروریات

۱۳. سید ابوالقاسم خویی، مصباح الاصول، تقریر محمدسرور بهسودی، ج ۲، (قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۷)، ص ۳۲۲.
۱۴. تبصره ۳ ماده ۱۱ اصلاحیه در خصوص شرایط ماده ۲۸: «اصل بر صحت اظهارات داوطلبین نمایندگی مجلس شورای اسلامی در فرم ثبت‌نام است مگر اینکه خلاف آن از طرق قانونی ثابت شده باشد».

۱۵. ابراهیم موسی‌زاده، *دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران*، (اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان)، زیر نظر غلامحسین الهام، (تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰)، ص ۲۹۷. البته یکی از حقوقدان سابق این شورا، با رد کاربرد اصل براءت در این حوزه، استفاده از اصل صحت را ممکن دانسته است. (محسن اسماعیلی، *نظارت قانونی*، روزنامه همشهری، ش ۳۲۷۳، ۱۳۸۲/۱۰/۱۵).

شمرده شده^{۱۶}، با این چشم‌انداز و کاربرد تاکنون در میان فقها مطرح نبوده است. این اصل دارای دو معنای وضعی و تکلیفی است که رابطهٔ عموم و خصوص من وجه دارند^{۱۷}؛ صحت وضعی در مقابل فساد و به معنای درستی و ترتب آثار حقوقی است و برای تعیین وضعیت در عبادات و معاملات کاربرد دارد. کاربست این اصل سبب می‌شود تا به احتمال بطلان یا عدم رعایت برخی شرایط لازم برای صحت قرارداد و عبادت یا احتمال وجود مانع توجه نشود. اما صحت تکلیفی که مخصوص شبهات موضوعی است و در تردید میان حرمت و اباحه کاربرد دارد، در مقابل قبح، معصیت، حرمت و عدم مشروعیت و به معنای حلیت و جواز تکلیفی و حسن ظن نسبت به فعل، انگیزه و اعتقاد دیگران و التزام به این اعتقاد (در ظاهر و باطن) است^{۱۸}. به نظر برخی فقیهان، این اصل مقتضای فطرت الهی و طبیعت بشر است و تا حرمت و عدم جواز عملی ثابت نشده، باید آن را جایز و حلال شمرد. صحت تکلیفی نشان‌دهندهٔ ایمان اسلام به تک‌تک انسان‌ها و منزله از خطا دانستن آنها به حکم برائت اصلی است تا زمانی که خلاف آن اثبات شود^{۱۹}.

بسیاری از فقیهان صحت تکلیفی را امری اخلاقی، غیرالزامی و فاقد اثر می‌دانند^{۲۰}، اما برخی از آنها پس از ذکر روایاتی چون «ضَعَّ امرَ أخیک علی أحسنه» که دلالت بر وجوب دارد، ظاهر هر کلام شارح را بیان حکم فقهی می‌دانند که در نتیجه، حمل آن بر وظیفهٔ اخلاقی صرف نیازمند قرینه است^{۲۱}. علامه طباطبایی در تفسیر آیهٔ ۲۲۹ سورهٔ بقره، با بیان

۱۶. مرتضی انصاری، *فرائد الاصول*، ج ۳، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۷) ص ۳۴۵ و ۳۵۰؛ ضیاء‌الدین عراقی، *نهایه الافکار*، تقریر محمدتقی بروجردی، ج ۵، (قم: مؤسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۷)، ص ۷۸.

۱۷. علیرضا اعرافی، درس خارج فقه روابط اجتماعی، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲.

۱۸. سید علی موسوی قزوینی، *رساله فی قاعده حمل فعل المسلم علی الصحه*، ص ۲۵۷؛ علیرضا اعرافی، پیشین، ۱۳۹۷/۱۲/۱۵.
۱۹. «روایات وارده و به‌طور خاص این کلام امام (ع) که فرمود: «گوش و چشمت را تکذیب کن» به‌صراحت دلالت بر این دارد که اسلام، ایمان را حتی در قلب کافر، راستی را حتی در نفس دروغگو و خیر را حتی در اهداف شخص شریر می‌جوید. پس آیا کسی که مردم را بی‌ضابطه تفسیق و تکفیر می‌کند، از این عبرت نمی‌گیرد؟» (محمدجواد مغنیه، *اصول‌الفقه فی ثوبه الجدید*، (قم: دار‌الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۱)، ص ۴۱۲).

۲۰. سید ابوالقاسم خویی، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۲؛ سید محمد روحانی، *منتقى الاصول*، تقریر سید عبدالصاحب حکیم، ج ۷، (قم: ناشر دفتر آیت الله سیدمحمد حسینی روحانی، ۱۴۱۳-۱۴۱۶) ص ۹۲. برخی نیز اثر آن را مجرد عدم تفسیق می‌دانند و اثبات آثار واقعی برای اصل صحت را مستلزم فقه جدید می‌دانند. (سید محمدکاظم یزدی، *حاشیه المکاسب*، ج ۱، (قم: دارالهدی، ۱۴۲۶)، ص ۳۶).

۲۱. هاشم آملی، *مجمع الافکار*، تقریر محمدعلی اسماعیل‌پور، ج ۴، (قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۹۵)، ص ۲۹۹. البته در کلام ایشان میان صحت وضعی و تکلیفی تفکیکی نشده است، اما با توجه به بحث از مطلق اصل صحت و ذکر روایاتی که مستند صحت تکلیفی نیز قرار می‌گیرد و سپس تأسیس اصل فقهی بودن کلمات شارح، می‌توان قول فقهی بودن صحت تکلیفی را به وی منتسب کرد.

اینکه احکام فقهی با احکام اخلاقی آمیخته است، منظور از حدود الهی را که نباید از آن تجاوز کرد، هر دو دسته احکام فقهی و اخلاقی می‌داند. وی تفکیک میان اخلاق و فقه و نیز اکتفا به احکام فقهی و جمود بر ظواهر و اعراض از باطن دین را عامل انحطاط مسلمین برمی‌شمارد؛ امری که مایه ابطال مصالح تشریح و نابودی غرض دین و سعادت زندگی بشر شده است.^{۲۲} بر این اساس، تفکیک صورت گرفته میان فقه و اخلاق در خصوص اصل صحت تکلیفی دارای دلایل استواری نیست. این اصل علاوه بر اخلاقی بودن، اصلی فقهی و الزامی است و آثار عملی و وضعی با واسطه بر آن مترتب می‌شود؛ برای مثال، جریان آن می‌تواند به عدم اجرای حد^{۲۳} و نیز تأیید صلاحیت- که محل بحث ماست- منجر شود. به این ترتیب، فرد احرازکننده مکلف است که فعل و اعتقاد داوطلب را بر وجه حرام و نامشروع حمل نکند و فرد را در اظهارات خود صادق و معتقد نسبت به آن فرض نماید.^{۲۴}

با توجه به اخلاقی و بی‌اثر دانستن صحت تکلیفی، عمده ادله و کارکردهایی که اغلب فقها برای اصل صحت ذکر می‌کنند ناظر به صحت وضعی است.^{۲۵} اما به نظر می‌رسد این ادله به صحت وضعی اختصاص ندارد و شامل صحت تکلیفی نیز خواهد شد. مبنای اصل عقلایی صحت، حفظ نظام اجتماعی است^{۲۶} و عمل نکردن به آن دارای پیامدهای فاسدی از جمله عسر و حرج شدید و انسداد باب علم عادی و متعارف در مواردی می‌شود که امکان اقامه دلیل وجود ندارد؛ این امر به نوبه خود به اختلال نظام و معیشت مردم که شارع به آن راضی نیست می‌انجامد. از همین روی باید از مدعی فساد، مطالبه دلیل کرد.^{۲۷} میرزای قمی وجه تقدم قول مدعی صحت را تقدیم ظاهر بر اصل در موارد تعارض می‌داند. در نظر او، افعال مسلمین غالباً معصیت نیست و طبق قاعده، ظن، مورد مجهول را به آنچه غلبه دارد

۲۲. سید محمدحسین طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، (قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی‌تا) ص ۲۳۴ و ۲۳۵. ر.ک.

محمد سرورش محلاتی، *تأملات سیاسی علامه طباطبایی*، (تهران: میراث اهل قلم، ۱۳۹۶)، صص ۶۴-۷۲.

۲۳. سید مصطفی محقق داماد، *قواعد فقه*، ج ۱، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶)، ص ۱۹۶.

۲۴. مرتضی انصاری، *فرائد الاصول*، ج ۳، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۷)، ص ۳۵۱.

۲۵. فقها حداقل هفت دلیل برای اصل صحت ذکر کرده‌اند (مرتضی انصاری، پیشین، ص ۳۵۰؛ سید روح‌الله خمینی، *الرسائل*، ج ۱، (قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۰)، ص ۳۵۰). اگرچه برخی آن را از ضروریات می‌دانند که نیاز به اقامه دلیل ندارد. (میر عبدالفتاح مراغی،

العاوین، ج ۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۹)، ص ۷۴۴، عنوان ۹۴).

۲۶. ضیاءالدین عراقی، *نهایه الافکار*، تقریر محمدتقی بروجردی، ج ۵، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷)، ص ۷۸.

۲۷. ر.ک. مرتضی انصاری، پیشین، ج ۳، ص ۳۵۱؛ فقها دلیل اصلی قواعد و اماراتی چون ید و سوق المسلمین را اصل صحت می‌دانند (ناصر مکارم شیرازی، *القواعد الفقهیه*، ج ۱، (قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۲۱)، صص ۱۱۸ و ۱۱۹).

ملحق می‌گرداند.^{۲۸}

بیشتر فقیهان به دلیل اینکه صحت وضعی را اصلی فقهی و واجد اثر عملی می‌دانند، در بحث از اینکه عدم حمل فعل دیگری بر صحت، مستلزم اختلال نظام می‌باشد، مراد از افعال غیر را منحصر در عقود و ایقاعات دانسته، صحت را هم به آن معنایی که در مقابل فساد است به کار می‌برند.^{۲۹} اما به نظر می‌رسد علاوه بر حمل عقود و ایقاعات بر فساد، حمل افعال دیگران بر حرمت و عدم مشروعیت نیز مستلزم اختلال نظام است؛ چراکه رواج بی‌اعتمادی و سوء ظن در جامعه، مایه فروپاشی نظام اجتماعی و اخلاقی می‌شود. حتی شاید تأثیر این امر در اختلال نظام، بیشتر از قسم اول باشد و به استناد احتیاط در امور مهم اجتماعی و تصدی مناصب عمومی^{۳۰}، نمی‌توان از اصل اولی صحت و اعتماد در زندگی جمعی چشم پوشید.^{۳۱} وانگهی اگر در امور مهم به احتیاط استناد شود، رد صلاحیت نامزد نیز تضييع حق الناس محسوب می‌شود و دو احتیاط با یکدیگر تراحم پیدا می‌کنند. همچنین با توجه به فعالیت احزاب در امور سیاسی، رد صلاحیت یک نامزد ناظر به امری عمومی می‌باشد و بر فرض هم که امری خصوصی تلقی گردد، دلیلی در اختیار نداریم که امر عمومی پیوسته باید بر امر خصوصی مقدم شود.

پذیرش حفظ نظام به‌عنوان مبنای اصل صحت تکلیفی نیز دلیل عمده آن بنای عقلا است.^{۳۲} شاهد اینکه اصول و قواعدی شبیه اصل صحت در نظام های حقوقی دیگر هم یافت می‌شود. در کامن‌لا، معادل مضمون اصل صحت در فقه، مفاهیمی مانند Trust^{۳۳}،

۲۸. ابوالقاسم قمی، جامع‌الشتات، ج ۴، (تهران: کیهان، ۱۳۷۱)، ص ۳۷۱.

۲۹. سید محمد محقق داماد، کتاب‌الحج، تقریر عبدالله جوادی آملی، ج ۲، (قم: مهر، ۱۴۰۱)، ص ۳۳۸.

۳۰. صادق لاریجانی، شورای نگهبان از منظر فلسفه سیاسی، برات یا احراز صلاحیت نامزدها؟، روزنامه کیهان، ش ۱۷۷۹۷، ۱۳۸۲/۱۰/۱۵.

۳۱. فقها عمدتاً اخلاق را امری صرفاً فردی می‌دانند که نقشی در تنظیم روابط اجتماعی ندارد و تفکیک آنها میان احکام فقهی و اخلاقی و الزامی دانستن اولی و غیرالزامی دانستن دومی، ریشه در همین نادیده گرفتن جنبه اجتماعی اخلاق و نقش آن در تنظیم روابط اجتماعی دارد. ر.ک. ابوالقاسم فنایی، دین در ترازوی اخلاق، (تهران: صراط، ج ۵، ۱۴۰۰)، فصل دوم.

۳۲. سید روح‌الله خمینی، انوار الهدایه، ج ۲، (قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۳)، ص ۱۰۶.

۳۳. در فرهنگ‌های حقوقی نیز برای مفهوم Trust، معنای مشابه صحت ذکر شده است:

A feeling of confidence that something is correct, will work, etc. (Dictionary of Law, Bloomsbury Publishing, Fourth edition, 2004.) / Acceptance of the truth of a statement without evidence or investigation. / Confidence that someone will act in a particular way; firm belief in someone's reliability; To believe in someone's or something's reliability, Ability, or Honesty. (The Essential Law Dictionary, Sphinx Publishing, 2008.)

Presumption of Correctness^{۳۴} و Presumption of Validity است. البته اماره یا فرض صحت، بیشتر در اقدامات اداری، ارزیابی مالیاتی^{۳۵} و نیز بررسی مجدد ادله و شواهد در دادرسی کاربرد دارد. به این ترتیب، امور موضوعی تشخیص داده شده از سوی دادگاه یا ارزیاب در صورتی که مبتنی بر ادله و شواهد باشد، صحیح فرض می‌شود، ولی مدعی حق رد آن را با ادله روشن و قانع‌کننده دارد.^{۳۶} پس اماره صحت، فرضی در صورت نبود دلیل مخالف است و مهم‌ترین اثر آن تغییر بار اثبات است.^{۳۷} همچنان که در مواردی چون فرض حسن نیت مقامات عمومی^{۳۸} به دلیل آنکه احراز آن دشوار است، فرض اولیه بر وجود حسن نیت است؛ مگر اینکه ادله‌ای برخلاف آن اقامه شود و بار اثبات دعوا را تغییر دهد.

به‌علاوه اصل صحت و حسن ظن را می‌توان در قالب Principle of Charity^{۳۹} نیز مشاهده کرد. این اصل به‌عنوان یک فرض در معرفت‌شناسی، فلسفه ذهن و زبان کاربرد دارد. برابر این اصل در تفسیر عقاید و اقوال و حتی قصد دیگران، باید بنا را بر صداقت و عقلانیت گذاشت و بهترین تفسیر ممکن را از آن ارائه داد.^{۴۰} در حقیقت، پذیرفته می‌شود که فرد به گفته‌های خود باور دارد و اتفاقاً در برخی مسائل افراد خود قاضی بهتری برای تفسیر سخنان و رفتارهای خود هستند و به شواهد بیشتری دسترسی دارند.^{۴۱}

دامنه کاربست اصل صحت نیز مورد اختلاف است. لازمه عقلایی دانستن این اصل، عدم اختصاص آن به مسلمان است.^{۴۲} همچنان که مشهور فقها در بحث از اینکه عدم اجرای

34. Moran Sean M., "The Presumption of Correctness: Should the Commissioner Be Required to Carry the Initial Burden of Production", *Fordham Law Review*, Vol. 55, (1987), pp. 1095-1097.

35. Prima Facie Correctness of a Tax Assessment

36. 28 U.S. Code (Judiciary and Judicial Procedure), § 2254 (e)(1)

۳۷. در این خصوص آرای قضایی متعددی وجود دارد؛ برای نمونه، نک:

Judicial Deference to Taxing Agencies, National Association of State Bar Tax Sections (Annual Conference), San Francisco, California, October 27-29th, 2016.

38. The Presumption of Good Faith of Public Officials

39. Feldman Richard, Principle of Charity, Routledge Encyclopedia of Philosophy, 1998.

۴۰. برای مطالعه بیشتر درباره این اصل که گفته می‌شود نخستین بار دونالد دیویدسون آن را مطرح نموده است. ر.ک. رحیم نوبهار،

اصول فقه (مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن)، (تهران: میزان، ۱۳۹۹)، صص ۴۴-۴۹.

41. <https://www.csus.edu/indiv/m/mayesgr/phl4/tutorial/phl4charity.htm>

۴۲. البته این اصل در خصوص غیرمسلمانان به نحو موجبه جزئیه است و صرفاً در بعضی موارد در خصوص آنها جاری می‌شود (میان محرّمات شرعی خاص و قباح عقلی-اخلاقی که همه آدمیان فطرتاً درکی از آن دارند، می‌توان قائل به تفکیک شد؛ چنان که در خصوص اصل صحت وضعی نیز فقها آن را به‌طور مطلق برای کفار نمی‌پذیرند.



اصل صحت وضعی مستلزم اختلال نظام است، این معضل را مختص مسلمانان نمی‌دانند.^{۴۳} شاید گسترده‌ترین محدوده برای اصل صحت را بتوان در نظر کاشف‌الغطاء یافت. او معتقد است اصل در تمام مخلوقات، از جمله در تمام اقوال و افعال انسان‌ها (اعم از شیعه، غیر شیعه، کافر کتابی و غیرکتابی)، صحت است و باید بر طبیعت آن حمل شود. پس تا زمانی که شاهی برخلاف وجود ندارد، إخبار و ادعاها بر صدق و افعال و عقود و ایقاعات بر صحت حمل می‌شوند. مگر آنکه در مقام دعوا و به‌خصوص درباره امور مربوط به قصد فرد باشد که مشاهده شاهد کافی نیست و مدعی قصد، به صرف ادای سوگند تصدیق می‌شود.^{۴۴} در نتیجه، اگرچه معصومین برای بیان وظایف در جامعه اسلامی معمولاً مسلمانان را مورد خطاب قرار می‌دهند، اما این به معنای اختصاص مفهوم صحت به مسلمانان نیست؛ بلکه اصل صحت با معنایی عام، در مورد افراد متعارف از هر کیش و آیینی و بسته به ارزش‌ها و معتقدات مورد قبول آنها جاری خواهد بود.^{۴۵}

مشهور فقیهان اصل صحت را اماره می‌دانند و با این فرض، در مقام تعارض بر تمام اصول حکمی و موضوعی عدمی، مقدم و حاکم می‌گردد؛ زیرا به واسطه حکومت، استصحاب بلاموضوع می‌شود.^{۴۶} فقهایی که اصل صحت را اصل عملی می‌دانند، در تقدم آن بر استصحاب موضوعی تردید کرده، قائل به تساقط می‌شوند. البته اصل صحت در مواردی تشریح شده که استصحاب وجود دارد و تقدم استصحاب، موضوع اصل صحت را کاملاً از بین برده، وضع آن را از سوی شارع لغو و عبث می‌کند. بنابراین از منظر گروه دوم نیز صحت می‌بایست بر استصحاب مقدم شود و به‌طور کلی، اصل صحت قوی‌تر از استصحاب

۴۳. سید ابوالقاسم خویی، پیشین، صص ۳۲۲ و ۳۲۳؛ سید محمد محقق داماد، پیشین، بنای عقلا بر ظهور حال هر فاعل عاقل، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، وجود دارد که عمل را صحیح و تام و نه ناقص و فاسد انجام می‌دهد (سید محمدحسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، (قم: الهادی، ۱۴۱۹)، ص ۳۰۴). البته اگر مستند اصل صحت، ظهور حال مسلمان باشد که عمل را صحیح انجام می‌دهد، باعث اختصاص این اصل به مسلمانان می‌شود و صحت نیز واقعی نخواهد بود، بلکه صحت در نظر فاعل ملاک قرار می‌گیرد (همان، ص ۲۸۹).

۴۴. جعفر کاشف‌الغطاء، کشف الغطاء، ج ۱، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۸۰)، صص ۲۰۱ و ۲۰۲، بحث ۳۶.
۴۵. رحیم نوبهار، «فرض برائت؛ چشم‌اندازی اسلامی»، در *مردی از تبار خرد و فضیلت*، (فرهنگستان جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵)، ص ۳۵۴.

۴۶. سید محمدحسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، (قم: الهادی، ۱۴۱۹)، ص ۳۰۷؛ مرتضی انصاری، *فرائد الاصول*، ج ۳، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۷)، ص ۳۷۴.

است.^{۴۷} همچنین استصحاب در جایی که اماره تعبّدی خلاف آن وجود دارد، جاری نمی‌شود و محکوم اماره ظاهر حال مسلم مبنی بر انجام تکالیف قرار می‌گیرد. زیرا شارع ظاهر حال مسلم را، حتی در مواردی که شک داریم یا نمی‌دانیم فعلی از او صادر شده یا نه، اماره بر انجام تکالیف قرار داده است؛ مگر اینکه دلیلی برخلاف آن اقامه شود. در نتیجه با وجود «اماره ظاهر حال» که مبتنی بر سیره قطعی متشرّعه است، اصل عدم به‌ویژه استصحاب عدم ازلی جریان نخواهد داشت.^{۴۸}

۲. موارد کاربست اصل صحت در مسائل فقهی

فقها اصل صحت را از روایات مختلفی اصطیاد کرده‌اند. این روایات اغلب در زمینه‌هایی مانند حجیت قول ذوالید در طهارت و نجاست، قبول قول شاهد، قبول مدعی که جز از طرف مدعی معلوم نمی‌شود (ما لا یُعلم الا من قیله)^{۴۹}، حجیت خبر واحد و منع از سوء ظن صادر شده است. اکنون پس از روشن شدن مفهوم اصل صحت، نمونه‌هایی از استناد فقیهان به قاعده صحت و مفاهیم مشابه را یادآور می‌شویم:

فقیهان وظیفه شرعی اولی را حمل فعل و قول آدمیان بر صحت و صدق و نسبت ندادن فسق و ارتکاب حرام به آنها می‌دانند.^{۵۰} آنان صرف احتمال را در حدود^{۵۱}، تعزیرات، امر به

۴۷. محمدتقی بهجت، درس خارج اصول فقه، ۱۳۸۷/۸/۶.

۴۸. مهدی شب‌زنده‌دار، درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر، ۱۳۹۵/۱۲/۸؛ ناصر، مکارم شیرازی، درس خارج فقه حج، ۱۳۸۸/۱/۱۵. مثلاً وقتی پسر بزرگ‌تر نمی‌داند که پدرش نماز خوانده یا نه، استصحاب عدمی جریان ندارد، بلکه اماره ظاهر حال اثبات می‌کند که نماز خوانده است. یا اگر شک کردیم که فردی جواب سلام دیگری را داده است، نمی‌توان یا جریان استصحاب عدمی او را امر به معروف کرد. چنان‌که با تردید در وضو داشتن امام جماعت یا به‌جا آوردن حج از سوی متوفی، اماره ظاهر حال جاری می‌شود.

۴۹. یکی از موارد پذیرش اصل صحت، امور پنهانی است که تنها از طریق خود فرد دانسته می‌شود و کشف آن به طریق دیگر دشوار و حتی غیرممکن است (کفایت ظن و ظهور عرفی). این امور تحت عنوان مسائلی که «لا یُعلم الا من قیله». در بعضی از کتب قواعد فقه به صورت قاعده‌ای مستقل ذکر شده است.

۵۰. البته چنین شخصی را صرفاً نمی‌توان فاسق و مرتکب حرام دانست، نه آنکه بدین طریق او را عادل بشماریم یا چرایی حلال بودن عمل او را ثابت کنیم. (ابوالقاسم گرگی، «اصل صحت عمل غیر»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۱۱۳۶ (۱۳۷۱)، ص ۹۴؛ محمدباقر وحید بهبهانی، حاشیه مجمع الفوائد، (قم: مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷)، ص ۷۶۹).

۵۱. اصل صحت در تصرفات مسلم از جمله دلایلی است که برای عدم اثبات زنا در صورت بارداری زن بدون وجود شوهر ذکر می‌شود که وجوب فحص و استفسار را هم برمی‌دارد (محسن فیض‌کاشانی، مفاتیح الشرایع، ج ۲، (قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا) ص ۶۸).

معروف و نهی از منکر^{۵۲} کافی ندانسته، حتی برای ارتکاب عمل حرام احراز عدم عذر را لازم می‌دانند.^{۵۳} برخی از فقها غیبت شخص مسلمان را از مطهرات (یا در حکم مطهرات) دانسته‌اند و استدلال آنها به ظاهر حال مسلمان و اجتناب او از نجاست است.^{۵۴} صاحب جواهر متعارف بودن عدم سؤال از ازاله نجاست در صورت علم به عروض آن را مؤید سیره قاطعی می‌داند که در این زمینه شکل گرفته است.^{۵۵} به‌طور کلی، قاعده «البینه علی المدعی» را نمی‌توان به نحو یکسان در تمام امور مدنی و کیفری و برای علل رافع مسئولیت به کار برد؛^{۵۶} برای مثال، اکراه در محرمات با اکراه در معاملات متفاوت است و تنها در دومی نیاز به اثبات دارد، زیرا در معاملات اصل بر صحت بوده و این ادعا خلاف اصل است؛ اما در محرمات اصل این است که مسلمان با اختیار خود مرتکب حرام نمی‌شود و این ادعا موافق اصل بوده و بی‌نیاز از اثبات است.^{۵۷}

مورد دیگر به «غارمان» مربوط می‌شود. غارمان، مستحقان زکات و افرادی هستند که در غیر معصیت مدیون شده باشند. شهید اول به دلیل شک در وجود شرط، قائل به عدم اعطای زکات به فرد مجهول الحال است؛ اما شهید ثانی به واسطه ظاهر حال و حمل تصرف مسلم بر جایز، اعطای زکات به مجهول الحال را جایز اعلام می‌کند.^{۵۸} محقق قمی به دلیل حمل قول و فعل مسلم بر صحت و تقدم آن بر استصحاب اشتغال ذمه، ادعای فقر و سیادت

۵۲. محمدتقی شیرازی، حاشیه المکاسب، ج ۱، (قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۲)، ص ۱۲۰. بنا بر اصالة الصحة، راه عذر نباید به‌طور کلی مسدود باشد و صرف احتمال جواز و اباحه، موضوع نهی از منکر را منتفی می‌کند؛ نتیجه شک در مشروعیت، مساوی با حکم به مشروعیت است و فعل مشکوک را می‌بایست فعل مباح به حساب آورد.

۵۳. میر عبدالفتاح مراغی، پیشین، ج ۲، صص ۷۴۷ و ۷۴۸؛ سیدتقی طباطبایی قمی، الغایه التصوی (الصوم)، (قم: انتشارات محلاتی، ۱۴۱۷)، ص ۱۴.

۵۴. سید محمدجواد عاملی، مفتاح‌الکرامه، ج ۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹)، ص ۲۲۸. از نظر برخی، ظهور حال مسلمان بر اینکه عمل غیر جایز انجام نمی‌دهد، حتی اگر دلیلی داشته باشد، با اصل صحت متفاوت است (سید محمدحسن، بجنوردی، پیشین، ص ۲۹۶).

۵۵. «بل قد یعدّ السؤال من المنکرات کالانکار علی مخالفه الضروریات المرّجّحه للعمل بظاهر حال المسلم من عدم عصیانه و سهوه و نسیانه علی الاصل» (محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱)، ص ۳۰۱).

۵۶. رحیم نوبهار، «فرض برائت؛ چشم‌اندازی اسلامی»، در مردی از تیار خرد و فضیلت، (تهران: فرهنگستان جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵)، ص ۳۷۵.

۵۷. عیسی ولایی، قواعد فقهی، (قم: اندیشه مولانا، ۱۳۹۲)، ص ۱۸۸.

۵۸. زین‌الدین جعی عاملی (شهیدثانی)، الروضه البهیة (شرح لمعه)، ج ۲، ص ۴۷. ر.ک. سید محمود هاشمی شاهرودی، درس خارج فقه زکات، ۱۳۹۱/۳/۹.

را برای استحقاق خمس یا زکات کافی می‌داند.^{۵۹} همچنین در صورت شک در پرداخت خمس از سوی استخراج‌کننده معدن نیز از باب حمل فعل مسلم بر صحت، دیگر تخمیس واجب نیست.^{۶۰} به علاوه در نماز استیجاری، وقتی پسر بزرگ برای نماز قضای پدر اجیر می‌شود، در صورتی که نمی‌دانیم آیا او نمازهای پدر را به جای آورده است یا نه، به دلیل حمل فعل بر صحت، بنا بر خواندن نماز و صحیح خواندن آن گذاشته می‌شود.^{۶۱}

تحقیق از وضعیت تأهل یا مجرد زنی که مرد می‌خواهد با او ازدواج موقت کند از دیگر موارد جریان اصل صحت است. بسیاری از فقیهان تحقیق درباره زن متهم در عقد ازدواج موقت را برای احراز اینکه شوهر ندارد، مستحب می‌دانند؛ اما تحقیق را به دلیل حمل افعال و تصرفات مسلم بر صحت و نصوصی که زن را حتی با تهمت در امور مربوط به خود تصدیق می‌کند، واجب نمی‌دانند.^{۶۲} از مهم‌ترین مصادیق اموری که وضعیت آنها تنها از سوی خود شخص روشن می‌شود «ما لا یُعلم الا من قَبَله» مسائل مربوط به زنان مانند طهر، حیض و عده است که اثر حقوقی دارد.^{۶۳}

نمونه دیگر، پرداخت زکات است که قول مالک در خصوص آن تا زمانی که کذبش

۵۹. «...مسلمی است و ادعایی می‌کند و مزاحمی از برای دعوی او نیست و افعال و اقوال مسلمین محمول بر صحت است... و چون حمل قول و فعل مسلم بر صحت از جمله قواعد مسلمه است که مأخوذ از اخبار و فتاوی علماست، پس مقدم خواهد بود بر اصل و استصحاب، یعنی استصحاب اشتغال ذمه به ادای خمس به مستحق آن. همچنانکه در مدعی فقر مشهور علما اکتفا کرده‌اند به ادعای فقر و استدلال کرده‌اند به آنکه قول مسلم محمول بر صحت است، چنان که در تذکره و منتهی و معتبر و شرح ارشاد آخوند ملا احمد و غیر ایشان، بلکه مخالفی در نظر نیست، بلکه تصریح کرده‌اند که هر چند قوی باشد، بلکه هر چند مالی داشته و ادعای تلف آن کند...» (ابوالقاسم قمی، جامع الشتات، ج ۴، (تهران: کیهان، ۱۳۷۱)، ص ۲۱۵).

۶۰. مرتضی مقتدایی، درس خارج فقه، ۱۳۹۳/۱۰/۱۶.

۶۱. سید محمدکاظم یزدی، العروه الوثقی، ج ۳، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷)، ص ۹۳، مسأله ۲۰؛ ر.ک. مرتضی انصاری، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۹.

۶۲. سید علی طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۱۰، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰)، ص ۲۷۴.

۶۳. میر عبدالفتاح مراغی، پیشین، ج ۲، ص ۶۱۸؛ سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، (نجف: مطبعه الآداب، ۱۳۹۰)، ص ۲۸۳، مسأله ۶؛ محمدباقر وحید بهبهانی، مقام الفضل، ج ۱، (قم: مؤسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۲۱)، ص ۱۸۷؛ «به حسب شرع انور قول زن معتبر است در نداشتن شوهر یا متعه بودن یا عده منقضی شدن یا حیض داشتن یا نداشتن یا مطلقه بودن یا شوهر مردن یا مانی از تزویج نداشتن و امثال اینها هرگاه مدعی در برابرش نباشد و کذبش یقینی نباشد، واجب است که او را تصدیق کنند و راستگو دانند هرگاه متهمه نباشد؛ یعنی معروف نباشد به دروغ‌گویی و زناکاری، بلکه تجسس از حال او در این صورت غلط است، بعد از آن تکذیب او کردن غلط دیگر، و شاهد از او خواستن و او را قسم دادن غلط بر غلط است به اجماع کل علما، به دلیل عموم اخبار بسیار...» وی سپس به نقل و توضیح روایات پرداخته و ثقه بودن را حمل بر استصحاب کرده و عدالت را لازم ندانسته است.

اشکار نشده است، بدون بیّنه و سوگند پذیرفته می‌شود.^{۶۴} همچنین به دلیل لزوم حمل قول و فعل بر صحت، ادعای فرد نسبت به مالی که کسی نسبت به آن ادعایی ندارد بدون بیّنه و سوگند پذیرفته می‌شود.^{۶۵} تعدّر اقامه دلیل^{۶۶} و اعلم و اعرف بودن نسبت به موضوع^{۶۷} نیز از جمله دلایل تقدم قول مدعی شمرده می‌شود. به علاوه در فقه به مدیون این حق داده شده که قصد خود را از ادای دین مشخص کند که کدام دین را در نظر داشته است. همین مسئله به ماده ۲۸۲ قانون مدنی نیز راه یافته است. به رغم وجود حق برای طرف مقابل، چون قصد مؤدی برای قانون گذار اهمیت داشته و قصد از امور درونی است، قول مدعی ملاک قرار گرفته است. شهید ثانی با همین استدلال قول راهن را در تعیین اینکه کدام یک از دیون که دارای رهن‌های مختلف بوده‌اند، ادا شده است، مقدم می‌داند. در نظر او حتی زمانی که دینی دارای رهن باشد و دیگری بدون رهن، در صورت اختلاف، قول راهن مقدم است.^{۶۸}

علاوه بر موارد پیشین، این قاعده در مسئله اعتقاد و التزام فرد که از امور پنهان محسوب می‌شود هم لازم‌الاجراست.^{۶۹} شهید ثانی در شرح عبارت محقق حلی که راه اثبات ایمان را علم قاضی، قیام بیّنه و اقرار بیان کرده، به دلیل قلبی و باطنی بودن اعتقادات، مرجع دو مورد اول را هم اقرار می‌داند. او معتقد است جز اقرار راهی برای کشف ایمان و اعتقاد فرد دیگر وجود ندارد.^{۷۰}

به طور کلی، اغلب فقهای شیعه درباره اسلام یا کفر فرد مجهول الحال، قائل به اصاله الکفر هستند و تقابل میان این دو را از نوع عدم و ملکه می‌دانند که واسطه‌ای میان

۶۴. شهید ثانی، پیشین، ج ۲، ص ۵۴؛ سید محمدکاظم یزدی، پیشین، ج ۴، ص ۱۴۰؛ سید محمدحسین بجنوردی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۱.

۶۵. احمد اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان، ج ۱۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴)، ص ۱۱۱. برای مسأله‌ای مشابه در مورد نکاح، رک. سید موسی شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ج ۱۰، (قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹)، ص ۳۶۱۵.

۶۶. شهید ثانی، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۸.

۶۷. همان، صص ۳۹۰ و ۴۱۴.

۶۸. همان، ص ۹۵.

۶۹. سؤال: درمان نزد کسی که ادعا می‌کند دستورالعمل پزشکی را برای مریض از غیب می‌گیرد، هر چند مشکوک الحال باشد چگونه است؟ پاسخ: «اعمال و اقوال مومن معمول بر صحت است تا آنکه بدانیم صحیح نیست و عمل به قول او اگر خلاف شرع نیست، جایز است» (محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۴، (قم: دفتر آیت‌الله بهجت، ۱۴۲۸)، ص ۵۴۷).

۷۰. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۴، (قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۷)، ص ۱۶۴؛ شهید اول، الدرر، ج ۲، ص ۱۲۵. برخی در مسئله دعا برای میت مجهول الحال در نماز میت، ظن به ایمان را کافی دانسته، برای خلاف آن علم را لازم می‌دانند (محمدبن حسن فاضل هندی، کشف‌الغمام، ج ۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷)، ص ۳۵۷).

آنها وجود ندارد و اسلام به‌عنوان امری وجودی با اصل عدم نفی می‌شود.^{۷۱} یکی از فقهای معاصر درباره اعتقادات فرد در صورتی که اثر عملی بر آن مترتب باشد و نیز افعال او، معتقد به لزوم حمل آن بر صحت است و حتی بنا بر سیره مسلمین، حکم کردن به اسلام برای کلیه افراد ساکن در سرزمین اسلامی را که خود مدعی اسلام نبوده و در مسلمانی آنها نیز تردید وجود دارد، بعید نمی‌داند تا آنکه خلاف آن به اثبات برسد.^{۷۲} پیداست که این دیدگاه، به قیاس اولویت موجب تسهیل احراز اعتقاد به اسلام درباره «مدعیان» آن می‌شود. برخی نیز میان دو حالت شک درباره اعتقاد فرد فرق می‌گذارند؛ در صورتی که او به هر طریقی اظهار اعتقاد کند، معتقد به حجیت آن هستند، خواه آن اظهارات به نفع او باشد یا علیه او. اما در صورتی که او هیچ اظهاری نکند یا غایب باشد یا فوت شده باشد، بر آن‌اند که «هرگاه دانسته شود یا با حجت شرعی ثابت شود که فردی منتسب به اسلام است، ظاهر آن است که چنین چیزی حمل بر صحت می‌شود و سیره مسلمانان نیز بر صحت اعتقاد کسی است که ادعا و اظهار اسلام می‌کند تا خلاف آن دانسته شود»^{۷۳}.

به‌علاوه آیه ۹۴ سوره نساء می‌فرماید: «به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند، مگوئید تو مؤمن نیستی تا بدین بهانه، متاع زندگی دنیا را بجوئید». این آیه نیز می‌تواند به‌عنوان مستند قاعده «جواز اعتماد به افراد در اموری که جز از راه اظهار خود آنها روشن نمی‌شود» مطرح گردد^{۷۴} که یکی از فروعات قاعده صحت است.^{۷۵} باید توجه داشت اصولاً

۷۱. میر عبدالفتاح مراغی، پیشین، ج ۲، ص ۷۳۳؛ برخی فقها از قاعده مقتضی و مانع استفاده کرده و اقرار به شهادتین را مقتضی تدین به شریعت در مقام عمل دانسته‌اند و مسلم را در مقام خروج از عهده تکالیف فرض کرده‌اند تا مانعی او را از آن عمل بازدارد که به احتمال تحقق آن اعتنا نمی‌شود. اما بعضی در مقتضی خدشه کرده، آن را خوف از مواخذه‌ای دانسته‌اند که بر مخالفت مترتب می‌شود (رضا همدانی، *مصباح الفقیه*، ج ۲، (بی‌جا: مکتبه الصدر، بی‌تا)، صص ۶۷۱ و ۶۷۲).

۷۲. ناصر مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۵.

۷۳. سید محمدحسن بجنوردی، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۱. البته باید توجه داشت که هیچ‌گاه نمی‌توان با اصل صحت، صدق و مطابقت اعتقاد یا استنباط با واقع را کشف کرد؛ اما در این مورد که با امور ظاهری و اعتباری مواجه هستیم، جریان اصل صحت فاقد اشکال است.

۷۴. محمدجعفر جعفری لنگرودی، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۴، (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۳)، ص ۳۰۸۸. اسلام تنها با ظاهر دانسته می‌شود و امور قلبی به خداوند واگذار شده است (سید محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۵، ص ۴۱). در خصوص ممنوعیت تفتیش عقیده در مورد اعتقاد به اسلام نیز به همین آیه استناد شده که دارای شأن نزولی مرتبط است. به این ترتیب، اظهار شهادتین کفایت می‌کند و باید حمل بر صحت کرد. ر.ک. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۵، (تهران: صدرا، ۱۳۸۸)، ص ۹۸۲؛ محمد ثقفی تهرانی، *تفسیر روان جاوید*، ج ۲، (تهران: برهان، ۱۳۹۸)، ص ۱۰۳.

۷۵. بعضی از فقها مستند به همین آیه، معتقدند اصل بر اسلام است و هر که اظهار اسلام نماید، مادامی که دلیل شرعی معتبری بر کفر آن نباشد، امکان حکم به کفر وجود ندارد. همچنین بر مؤمن لازم است که در صورت برخورد با قول یا فعل منکر از جانب

اموری نظیر اعتقاد و التزام اشخاص^{۷۶} قابل کشف نیست و در صورت پافشاری بر احراز آن، طبعاً باب تجسس و تفتیش گشوده می‌شود؛ امری که شرعاً حرام و به موجب اصل ۲۳ قانون اساسی ممنوع است.

البته برخی معتقدند نمی‌توان تسلیم هر ادعایی مبنی بر صداقت و درستی شد و تحقیق از شایستگی قانونی فرد که مورد ادعای اوست، تفتیش عقیده نیست و فرد بابت عقیده‌ای خاص مورد تعرض و مؤاخذه قرار نگرفته است^{۷۷}، اما محروم کردن فرد از حق انتخاب شدن به واسطه عقیده که از امور قلبی است، نوعی تعرض به او محسوب می‌شود و چون این محرومیت یکی از انواع مجازات تبعی است، لفظ مؤاخذه هم بر آن صدق می‌کند.

باری شرایط داوطلبان انتخابات از عناوین قصدی محسوب نمی‌شود. حتی اگر برخی از شرایط داوطلبان از عناوین قصدی تلقی گردد و به این دلیل گفته شود که صحت در آن جاری نیست^{۷۸}، اما به استناد ثبت نام و ادعای وجود شرایط، قصد لازم برای این نوع شرایط محقق شده است. همچنین مجرای اصل صحت، شک بعد از انجام عمل و یا در حین انجام عمل است و در صورت تردید نسبت به انجام عمل یا پیش از آن جاری نمی‌شود^{۷۹}. برخی بر این اساس و در جهت نفی کاربرد اصل صحت در فرایند احراز صلاحیت‌ها به دلیل عدم تطابق زمانی، اصل صحت را مربوط به پس از انجام عمل و فرایند احراز صلاحیت‌ها را مربوط به پیش از انجام عمل در مقام نمایندگی می‌دانند^{۸۰}.

اما باید توجه داشت که شرایط و صلاحیت‌های مذکور در قوانین انتخاباتی، بر اساس اعمال تحقق یافته، احراز می‌گردد و نه اعمالی که در آینده و در کسوت نمایندگی انجام

دیگری، آن را بر صحت حمل نماید. ر.ک. نراقی، احمد، *رسائل و مسائل*، ج ۲، (قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملاحمد، ۱۴۲۲)، صص ۳۳۵-۳۳۵.

۷۶. دیوان عدالت اداری تصمیم هیئت مرکزی گزینش مبنی بر عدم التزام عملی به احکام اسلام به دلیل حجاب را رد کرد و میان ضعف حجاب و عدم حجاب تفکیک قائل شد. بر اساس نظر دیوان، التزام ریشه در اعتقادات درونی و جلوه بیرونی آن دارد (رای شعبه ۲۲، ش دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۲۴۷۸، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۳، ص ۳۲۱).

۷۷. غلامحسین الهام، یادداشت نمایندگی مجلس؛ اصل براءت یا احراز صلاحیت؟ (مبانی حقوقی احراز صلاحیت نامزدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی)، روزنامه کیهان، ش ۱۷۴۷، ۱۳۸۱/۰۶/۱۷.

۷۸. سید محمدحسن بجنوردی، پیشین، ج ۱، ص ۳۰۱.

۷۹. ضیاءالدین عراقی، پیشین، ج ۴، قسم ۲، ص ۸۱؛ سید محمدحسن بجنوردی، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۱.

۸۰. سید احمد مرتضایی، «پاسخ به شبهات نظارت استصوابی با رویکرد فقهی»، حکومت اسلامی، ش ۱ (۱۳۸۹)، ص ۱۴۶.

خواهد گرفت و امکان تشخیص آنها منتفی است. به عبارت دیگر، نظارت پیشینی در خصوص اعمال و رفتار آینده منتخبان امکان‌پذیر نیست، بلکه مقام ناظر، صرفاً می‌تواند بر اساس سوابق و اعمال و رفتار گذشته فرد، صلاحیت در خصوص اعتقاد و التزام او به اسلام و نظام و قانون اساسی را بررسی کند. در نتیجه با فرض پذیرش شرایط لازم برای داوطلبان انتخابات و چشم‌پوشی از اشکالاتی که در مورد این شرایط قابل طرح است، اصل صحت بی‌هیچ اشکالی در فرآیند احراز صلاحیت‌ها جاری خواهد بود.

البته با اصل صحت نمی‌توان عدالت را اثبات کرد^{۸۱}، اما برای التزام عملی به اسلام می‌توان از احراز عدالت چشم‌پوشید و به صرف عدم فسق بسنده نمود^{۸۲}. معمولاً تردید در خصوص برخی فعل‌ها و ترک فعل‌های صورت‌گرفته از سوی داوطلبان موجب رد صلاحیت آنها می‌شود، اما با اصل صحت می‌توان رفتارهای شخص را صحیح دانست و او را پایبند به اسلام تلقی کرد؛ به‌ویژه آنکه فرد داوطلب با ثبت نام خود مدعی اعتقاد و التزام است و هر شخص نسبت به این امور در خصوص خویش آگاه‌تر می‌باشد. پس، حمل قول و فعل فرد بر غیر صحیح نیازمند دلیل موجه است. حتی فراتر از افعال که اصل آن نیاز به تحقق دارد، باید مطابق ظاهر حال مسلم و بدون آگاهی از تحقق اصل فعل، حکم کنیم که فرد وظایف شرعی خویش را انجام داده است^{۸۳}.

ممکن است گفته شود بر اساس برخی روایات^{۸۴}، حُسن ظن مختص عصری است که عدل، صلاح و نیکی بر زمانه و احوال اغلب مردم حاکم باشد، اما در زمانی که فساد و جور بر رفتار و اعمال مردم و حکام غلبه یابد، اصل بر سوء ظن خواهد بود^{۸۵}. باید توجه داشت که این روایات بر فرض صدور و با چشم‌پوشی از سند آن، دلالتی بر

۸۱. سیدنتقی طباطبایی قمی، *الغایه التصوی (المضاربه)*، (قم: انتشارات محلاتی، ۱۴۲۳)، ص ۶۴.

۸۲. رحیم نوبهار و علی ولایی، «واکوی معیارهای فقهی در ارزیابی صلاحیت نامزدهای انتخابات در جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش‌های حقوق عمومی*، ش ۷۳ (۱۴۰۰)، صص ۱۵۳-۱۸۱.

۸۳. ناصر مکارم شیرازی، درس خارج فقه حج، ۱۳۸۸/۲/۱۴.

۸۴. در حکمت ۱۱۴ نهج‌البلاغه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «إِذَا اسْتَوَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَطْهَرْ مِنْهُ خِزْيَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ، إِذَا اسْتَوَى الفَسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّ». همچنین امام هادی (ع) می‌فرماید: «إِذَا كَانَ زَمَانُ العَدْلِ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ تَظُنَّ بِأَخِي سَوْءًا حَتَّى يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ وَ إِذَا كَانَ زَمَانُ الجَوْرِ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ العَدْلِ فَلَيْسَ لِأَخِي أَنْ يَظُنَّ بِأَخِي خَيْرًا حَتَّى يَبْدُوَ ذَلِكَ مِنْهُ». (محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۲، (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳)، ص ۱۹۸).

۸۵. احمد نراقی، *عوائد الایام*، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷)، ص ۲۳۱.

جواز سوء ظن ندارد، بلکه ناظر به احتیاط و احساس خطر در حسن ظن است و تعارضی با انبوه روایات نقل شده در مورد حرمت سوء ظن نخواهد داشت.^{۸۶} امر به سوء ظن با نهی از حسن ظن در شرایط ویژه متفاوت است. ادله اصل صحت تکلیفی نیز بر حرمت سوء ظن (در مقابل حسن ظن به معنای عام) دلالت دارد، ولی حسن ظن به معنای خاص مستحب است که با این روایات در شرایط فساد، الزام آن برداشته می‌شود؛ زیرا نهی در مقام توهّم و جوب، دلالت بر حرمت ندارد. در نتیجه با اصل صحت تکلیفی هیچ تعارضی وجود ندارد.^{۸۷}

برخی نیز این روایات را ناظر به سرزمین غیر شیعیان یا سرزمینی دانسته‌اند که اکثر مردم آن مشهور به فسق باشند.^{۸۸} بعضی هم آن را به احتیاط در امور معاملی به منظور جلوگیری از فریب و زیان، حمل کرده‌اند.^{۸۹} همچنین می‌توان روایات مورد بحث را چنین تفسیر کرد که وقتی عدل بر فرهنگ جامعه و نظام سیاسی حاکم باشد، نباید افراد را در معرض تهمت قرار داد؛ چراکه افراد فاسد و مجرم از سوی نظام قضایی عادل به جزای کار خود رسیده‌اند. اما اگر جور بر زمانه حاکم باشد، به نظام قضایی و سایر افراد نمی‌توان حسن ظن داشت، زیرا اکثر افراد فاسدند. چنین تفسیری با سیاق و زمان صدور روایات و رویکرد ائمه شیعه که در مقابل حکومت‌های دوران خود قرار داشتند نیز سازگارتر است. به عبارت دیگر، این دسته روایات در مقام تعیین نوع نگاه مردم به یکدیگر و حکومت است، نه آنکه نوع نگرش حکومت به عنوان قدرت فراتر نسبت به مردم را مشخص کنند. علاوه بر آن، حسن و سوء ظن از امور جوانحی محسوب می‌شوند که به مرحله اعمال خارجی و ترتیب اثر بیرونی نمی‌رسند؛ مگر اینکه نشانه‌ها و آثاری در آنها باشد که مستلزم عنوان محرمی مانند تنقیص، تحقیر و هتک عرض باشد که در این صورت طبعاً مشمول ادله حرمت می‌شود.^{۹۰}

۸۶. در برخی روایات به حرمت سوء ظن در کنار حرمت خون و مال مؤمن اشاره شده است. ر.ک. محمدباقر مجلسی، پیشین، ص ۲۰۱.

۸۷. علیرضا اعرافی، درس خارج فقه روابط اجتماعی، ۱۳۹۸/۱/۲۱.

۸۸. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۸۵، ص ۹۲.

۸۹. حسینعلی منتظری، درس‌هایی از نهج البلاغه، ج ۱۴، (قم: سرایی، ۱۳۹۷)، ص ۳۴۰.

۹۰. علیرضا اعرافی، درس خارج فقه روابط اجتماعی، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲.

۳. اماره قانونی صحت و شرایط ذهنی و کیفی انتخاب‌شوندگان

محرومیت از حق انتخاب شدن، سلب یکی از حقوق اجتماعی است. حتی برابر مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی، محرومیت موقت از آن مجازات تبعی محسوب می‌شود. از این رو، محرومیت از انتخاب شدن در قوانین انتخاباتی مشروط به شرایطی شده تا مستند و مستدل باشد. به موجب تبصره ماده ۵۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی: «رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد». مفهوم مخالف این ماده حاکی از بی‌ارزش بودن رد صلاحیت بدون مدرک معتبر و استناد به قانون است و چنین حقی برای نهاد مسئول وجود ندارد.^{۹۱} ماده واحده قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت‌شده در انتخابات مختلف مصوب ۲۲ آبان ۱۳۷۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام^{۹۲} و تبصره ۲ ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۲۱ آذر ۱۳۷۸ هیئت وزیران^{۹۳} نیز به همین موضوع اشاره دارد. همچنین تبصره ۳ ماده ۲۷ بر مستند بودن رد صلاحیت در مورد شرط اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام تأکید می‌کند، زیرا احتمال تضییع حقوق داوطلبان درباره آنها بیشتر است. تبصره ۴ ماده ۲۷ (اصلاحی ۱۳۸۲/۱۰/۳) نیز طریق بررسی بعضی شرایط ذهنی غیرقابل احراز از قبیل وفاداری به قانون اساسی و اصل ولایت فقیه را تسهیل می‌کند و اظهار، اعلام یا هر طریق دیگری را که به صورت مستند از

۹۱. برخلاف ماده قانونی فوق که مبتنی بر اصل صحت است، ماده ۱۸ آیین‌نامه بررسی صلاحیت مصوب هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات، وجود دلیل قانع‌کننده برای تأیید صلاحیت را ضروری دانسته، در نتیجه، فقدان آن موجب رد صلاحیت می‌گردد. رک. حسین مهرپور، وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی (مجموعه مکاتبات و نظریات حقوقی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانونی اساسی)، صص ۶۵۸-۶۶۰.

۹۲. «به موجب این قانون کلیه مراجع رسیدگی‌کننده صلاحیت داوطلبان در انتخابات مختلف (به استثنای انتخابات خبرگان رهبری که مطابق اصل ۱۰۸ قانون اساسی خواهد بود) موظفند صرفاً بر اساس مواد قانونی و بر اساس دلایل و مدارک معتبر که توسط مراکز مسئول قانونی به مراجع اجرایی و نظارتی ارسال شده است، به بررسی صلاحیت داوطلبان بپردازند و چنانچه صلاحیت داوطلبی را رد کردند باید علت رد صلاحیت را به شرح زیر با ذکر مواد قانونی مورد استناد و دلایل مربوط به داوطلب ابلاغ نمایند...».

۹۳. «چنانچه هیأت اجرایی بعضی از داوطلبان را بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی‌های لازم در محل و با استفاده از نتایج اعلام شده توسط وزارت کشور و با رعایت شرایط مقرر در مواد ۲۸، ۲۹ و ۳۰ قانون واجد صلاحیت نداند و در نتیجه صلاحیت آنان را رد کند، موظف است مراتب را با ذکر اسناد و مدارک مذکور و اشاره به مواد قانونی و بندها و تبصره‌های آنها در صورتجلسه درج نماید.».

سوی داوطلب ابراز شده باشد، کافی می‌داند. بند ۱۱-۲ سیاست‌های کلی انتخابات (ابلاغی ۱۳۹۵/۷/۲۴) هم به پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل رد صلاحیت داوطلبان اشاره کرده است.

از مجموع مواد یادشده می‌توان نتیجه گرفت که در صورتی تکلیف به رد صلاحیت مستند و مستدل، منطقی خواهد بود که اصلی اولی وجود داشته باشد و چون ادعای عدم صلاحیت خلاف اصل است، نهاد مسئول برای قول خلاف اصل باید دلیل بیاورد. همانند این استدلال برای مبانی حقوقی اصل برائت هم صورت‌بندی می‌شود؛ بدین شکل که لزوم مستند، مستدل و موجه بودن حکم دادگاه کیفری نشان‌دهنده خلاف اصل بودن آن است و فرض برائت مانع پذیرش اتهام بدون دلیل است.^{۹۴} شایان توجه است که از نظر برخی، منظور حقوق دانان از اصل یا فرض برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی) که در این گونه موارد جاری می‌کنند، همین اصل صحت است، نه اصل برائت موضوع بحث دانشمندان اصولی.^{۹۵} بنابراین، آنچه را که در مواد یادشده درباره لزوم مستند و مستدل بودن رد صلاحیت داوطلبان - که بیانگر اصل اولی در خصوص صلاحیت است - آمد، به «اماره صحت» تعبیر می‌کنیم. امارات قانونی در حقوق ما در متنی احصا نشده و دست رویه قضایی برای کشف اماره‌های پنهان باز است. در مصادیق مورد اتفاق نیز مانند اماره مالکیت (ماده ۳۵ قانون مدنی) یا اماره فراش (ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی) خود این مواد تصریحی ندارد، بلکه ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی که اماره قانونی را توضیح داده، با استقرای ناقص مثال‌هایی از جمله این دو مورد را ذکر کرده و امکان وجود اماراتی غیر از مثال‌های ذکرشده را هم مطرح نموده است. در حقیقت، اماره برای مواردی قرار داده شده که همچون موضوع بحث ما، یعنی شرایط ذهنی و کیفی انتخاب‌شونده، اثبات آن مشکل و اثبات خلاف آن نیازمند دلیل است. در نتیجه، با توجه به اماره صحت و لزوم تفسیر مضیق، فقط ظنون در راستای وجود

۹۴. ناصر کاتوزیان، *اثبات و دلیل اثبات*، ج ۲، (تهران: میزان، ۱۳۹۵)، ص ۲۳۵.

۹۵. ابوالقاسم گرچی، «اصل صحت عمل غیر»، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۱۱۳۶ و ۱۳۷۱، ص ۹۳؛ حسین قافی و سعید شریعتی، *اصول فقه کاربردی*، ج ۳، (قم: سمت، ۱۳۹۲)، ص ۲۱۹. لازم به ذکر است که می‌توان از اصل برائت یادشده در قانون اساسی، به «فرض برائت» تعبیر کرد و آن را از اصل برائت حکمی که در اصول فقه مورد بحث قرار می‌گیرد، تفکیک نمود. رک. رحیم نوبهار، «فرض برائت: چشم‌اندازی اسلامی»، *در مردی از تبار خرد و فضیلت* (تهران: فرهنگستان جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵)، ص ۳۴۶.

صلاحیت می‌بایست پذیرفته شود، وگرنه برای رد صلاحیت که خلاف اماره قانونی و تفسیر مضیق است، علم یا ظن نزدیک به علم لازم است.^{۹۶}

۴. پیامدهای کاربست موسع اصل صحت در احراز شرایط گوناگون

از طریق به‌کارگیری اماره و اصل صحت، می‌توان احراز شرایط کیفی، ذهنی و مبهم را تسهیل نمود. شرایطی چون رجل سیاسی- مذهبی، حسن سابقه و امانت و تقوا، ایمان و اعتقاد به مبانی نظام جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور (ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری)، اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی یا ثبات عقیده برای اقلیت‌های دینی، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه، اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی و عدم موانعی مانند دخالت در تحکیم رژیم سابق یا وابستگی به آن و اشتها به فساد و تجاهر به فسق (مواد ۲۸ و ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)، سوابق سوء سیاسی و اجتماعی (ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری)، به‌وسیله اصل صحت تکلیفی و اماره قانونی صحت و تفسیر مضیق از قوانین محدودکننده حق‌ها و آزادی‌ها ساده‌تر قابل احراز است. بدین‌سان با تضمین حقوق انتخاب‌شوندگان، نهاد ناظر نیز برای احراز شرایط با مشکلات کمتری مواجه خواهد شد.

شایان توجه است که لزوم تفسیر مضیق معمولاً در موارد خلاف اصل یا قوانین حمایتی مطرح می‌شود.^{۹۷} از این رو، مواد قانونی ناظر به اماره صحت، در راستای حمایت از داوطلبان

۹۶. مواد ۹۸ و ۱۰۳ لایحه جامع قانون انتخابات که در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۳ به تصویب هیئت وزیران رسید و در ۱۳۹۷/۱۲/۱۲ در مجلس اعلام وصول شد، حاکی از پذیرش اصل صحت است. این در حالی است که شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ و نیز در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ بر اساس جزء ۵ بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات که «تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری» را برعهده شورا قرار داده بود، معیارهایی را تصویب و در آن تصریح کرد که ارائه مدارک جهت اثبات و احراز تمامی شرایط وظیفه داوطلبان است. به این ترتیب، اصل صحت مورد قبول قرار نمی‌گیرد و بار اثبات در مورد هر نوع شرایطی برعهده داوطلبان قرار گرفته است. همچنین در طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که در دی ۱۴۰۱ اعلام وصول شد، احراز شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان تفکیک گردید؛ اولی مبتنی بر ادله و مدارک عینی و قانونی، دومی بر اساس احراز متعارف و نوعی با بررسی ادله و قرائن علم‌آور و اطمینان‌آور. گرچه در احراز شرایط اختصاصی یادشده در آن طرح، اصل صحت کاربرد مهمی خواهد داشت، اما همچنان مورد غفلت واقع شده و ذکری از آن به‌میان نیامده است.

۹۷. از جمله شرایط نمایندگی مجلس در فرانسه، معافیت دائم یا انجام دادن خدمت نظام وظیفه است؛ درحالی که برای ریاست جمهوری در این کشور قانونمند بودن وضعیت نظام وظیفه کافی است. شورای قانون اساسی فرانسه قیاس اولویت را در این مورد



انتخابات به‌عنوان طرف ضعیف‌تر نسبت به صاحبان قدرت و سلطه (دولت به معنای اعم) قابل تحلیل است؛ امری که به‌نوبه خود، تفسیر مضیق و به نفع طرف ضعیف‌تر را در راستای ایجاد موازنه ضروری می‌گرداند؛ همچنان که در محیط حقوق گاه از «اصل حمایت از حق در مقابل قدرت» سخن گفته می‌شود.^{۹۸}

علاوه بر انتخابات‌های ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری که موادی از قوانین آن بیان شد، در انتخاباتی چون شورای اسلامی شهر^{۹۹}، هیئت مدیره کانون وکلا^{۱۰۰}، هیئت مدیره سازمان‌های نظام مهندسی^{۱۰۱}، هیئت مدیره نظام صنفی رایانه‌ای^{۱۰۲}، هیئت مدیره کانون تشکیلات حرفه‌ای کاردان‌های فنی^{۱۰۳}، شورای مرکزی سازمان نظام پزشکی^{۱۰۴}، شورای عالی نظام پرستاری^{۱۰۵} و مواردی چون متقاضیان تأسیس حزب^{۱۰۶}، داوطلبان پروانه وکالت^{۱۰۷}، داوطلبان پروانه تأسیس دفتر خدمات مسافرت هوایی یا جهانگردی^{۱۰۸}، استخدام‌های رسمی و پیمانی و...^{۱۰۹}، هم شرایط ذهنی و مبهمی چون

نپذیرفت و در سال ۱۹۶۹ که آلن کریوین (Alain Krivine) در حال انجام خدمت نظام وظیفه برای داوطلبی ریاست جمهوری پذیرفته شد، در پاسخ به اعتراض دوکاتل (Ducatel)، دیگر کاندیدای انتخابات، اعلام کرد: «هرگونه محدودیت راجع به اعمال حقوق سیاسی باید به صورت مضیق تفسیر شود.» رویه شورای قانون اساسی به عنوان قاضی انتخابات ملی و شورای دولتی به عنوان قاضی انتخابات محلی مؤید همین امر است. شورای قانون اساسی فرانسه در تصمیم مورخ ۱۱ می ۱۹۶۷ اعلام کرد: «هر مورد انتخاب‌ناپذیری که اثر آن خدشه‌دار شدن آزادی داوطلبی است، باید به صورت مضیق تفسیر شود.» ر.ک. جواد تقی‌زاده، «انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی با نگاهی به حقوق فرانسه»، پژوهش‌های

حقوق تطبیقی، ش ۴ (۱۳۸۸)، صص ۷۹ و ۸۰.

۹۸. ناصر کاتوزیان، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۶ (۱۳۸۳)، ص ۳۳۴.

۹۹. ماده ۲۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵.

۱۰۰. ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶.

۱۰۱. ماده ۱۱ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴.

۱۰۲. ماده ۴۰ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب هیئت وزیران.

۱۰۳. ماده ۲۰ آیین‌نامه تشکیلات حرفه‌ای کاردان‌های فنی مصوب هیئت وزیران.

۱۰۴. ماده ۲۲ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹.

۱۰۵. ماده ۲۲ قانون سازمان نظام پرستاری مصوب ۱۳۸۰.

۱۰۶. ماده ۴ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی مصوب ۱۳۹۴.

۱۰۷. ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶.

۱۰۸. ماده ۵ آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر تأسیس و فعالیت دفترهای خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی مصوب هیئت وزیران.

۱۰۹. برای نمونه، ماده ۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۷۴، ماده ۱۶ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و کانون آنها مصوب رئیس قوه قضاییه در خصوص مدیر و کارمندان دفتر، کارشناس حقوقی و کارشناس فناوری اطلاعات.

اعتقاد و التزام به اسلام و قانون اساسی دیده می‌شود. حتی در ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری و همچنین قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۴ شهریور ۱۳۷۴ که به موجب ماده واحده مصوب ۹ اردیبهشت ۱۳۷۵ به کلیه کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی تسری پیدا کرده، شرایطی همچون اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه و ابراز وفاداری به جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. بنابر آنچه گذشت، اصل صحت تکلیفی و اماره قانونی صحت در جهت تسهیل احراز شرایط یادشده و جلوگیری از تضییع حقوق منتخبان و متقاضیان در این موارد نیز کاربرد خواهد داشت و توسعه این اصل به صیانت از حقوق مردم کمک می‌کند.

نتیجه

حق انتخاب در شمار حق‌های مطلق نیست، ولی تحدید آن نیز خلاف اصل است و می‌بایست به قدر متیقن در موارد تردید بسنده نمود. پس در نگاه اول، شرایط لازم برای نامزدهای تصدی مناصب عمومی می‌بایست حداقلی و غیرانتزاعی باشد. فلسفه رأی‌گیری نیز مبتنی بر غیرقابل احراز بودن شرایط ذهنی و کیفی لازم برای انتخاب‌شونده است و بر این اساس، أخذ نظر مردم الزامی می‌شود. اما با فرض حفظ قوانین موجود که حاوی چنین شرایطی است و با لحاظ مبانی و قواعد فقهی معتبر، امکان ارائه تفسیری که چالش‌های جاری انتخابات را کاهش دهد، وجود دارد؛ اگرچه شورای نگهبان رویکرد دیگری را برگزیده است. به این ترتیب، فرض و اصلی اولی به عنوان شاخصی برای تفسیر قوانین معرفی شد که در ایجاد انتخابات آزاد، منصفانه و رقابتی مؤثر خواهد بود؛ همچنان که معمولاً در اموری که احراز آن دشوار است، فرض بر وجود قرار داده می‌شود تا خلاف آن اثبات شود.

توجه به اصل صحت تکلیفی و اماره قانونی صحت در خصوص شرایط کیفی و ذهنی که معیار مشخصی برای سنجش ندارند، همانند اعتقاد و التزام به اسلام و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی، باعث گسترش و تضمین حقوق و آزادی‌های انتخاباتی می‌شود. بنابراین، برخلاف رویکردی که اصل را بر فقدان شرایط در داوطلبان قرار داده و به دنبال احراز عدالت شرعی است، می‌توان اصل را بر انتخاب‌پذیری داوطلبان انتخابات دانست؛ مگر آنکه سلب یا محدودیت این حق با دلایل و مدارک متقن، موجه باشد. تفسیر مضیق از موانع

انتخاب‌پذیری به حفظ این حق اولیه و خدادادی کمک می‌کند و موجب حمایت از شهروندان به‌عنوان طرف ضعیف‌تر در برابر صاحبان قدرت و اتهام‌های آنها می‌شود و وظیفه نظارت تضمینی را محقق می‌سازد. کاربرد اصل صحت تکلیفی در جریان بررسی صلاحیت و نیز فقهی (نه صرفاً اخلاقی)، الزامی و واجد اثر دانستن آن در کنار استفاده از اماره قانونی صحت که توجیه رد صلاحیت را به‌عنوان امری خلاف اصل لازم می‌گرداند، موجب تغییر برداشت از شرایط ذهنی و کیفی انتخاب‌شوندگان خواهد شد و تفسیری متفاوت از قوانین انتخاباتی موجود ارائه می‌نماید.

به عبارت دیگر، اصل صحت مقتضای فطرت و طبیعت بشر تلقی می‌گردد و حاکی از ایمان اسلام به تک‌تک انسان‌ها و منزله دانستن آنها از خطا به حکم برائت اصلی است. از این رو، برای حفظ نظام اجتماعی، افعال و اقوال دیگران بر صحت، جواز و مشروعیت حمل می‌شود. برای احراز اعتقاد، التزام و پایبندی به دین اسلام نیازی به عصمت یا عدالت نیست، بلکه عدم اشتهار آنها به فسق و ارتکاب حرام کفایت می‌کند و این نیز با اصول صحت و عدم فسق قابل دستیابی است؛ به‌ویژه آنکه هر فرد نسبت به امور مربوط به خویش آگاه‌تر است و به همین دلیل، قول مدعی در صورت فقدان شواهد مخالف پذیرفته می‌شود. در نتیجه، می‌بایست به ادعای افراد در خصوص امور پنهان از قبیل اعتقاد و التزام اعتماد کرد؛ همچنان‌که از دیرباز، فقیهان در این دست از امور همین‌گونه فتوا داده‌اند. به‌طور کلی، اتخاذ نگرشی مبتنی بر اعتماد و حسن ظن و حمل بر صحت به‌جای پذیرش اصل انحراف و فساد در قبال شهروندان، موجب تقویت مردم‌سالاری مشارکتی و بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی نیز می‌گردد. بی‌گمان، تمسک به شاخص‌هایی چون صحت و برائت، مقدمه‌ای برای برگزاری انتخابات آزاد، رقابتی و منصفانه خواهد بود. تنها در این صورت است که می‌توان از پدیده‌ای به نام مردم‌سالاری دینی سخن گفت و از آن دفاع کرد. به‌علاوه، بدون کاربرست دقیق ضوابط شرعی و حقوقی، تحدید و تضییق‌های بی‌مورد مصداق تعرض به حق الناس است. این همه نشان می‌دهد که اگر اراده سیاسی برای برگزاری انتخابات رقابتی وجود داشته باشد مبانی فقهی در این زمینه مانع نیستند؛ برعکس آنها می‌توانند بسی گره‌گشا باشند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتابها

۱. ایوبی، حجت‌الله، *پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب*، (تهران: سروش، ۱۳۸۲).
۲. بهجت، محمدتقی، *استفتانات*، ج ۴، (قم: دفتر آیت‌الله بهجت، ۱۴۲۸).
۳. ثقفی تهرانی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، ج ۲، (تهران: برهان، ۱۳۹۸).
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۴، (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۳).
۵. خسروی، حسن، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، (تهران: مجد، ۱۳۹۵).
۶. سروش محلاتی، محمد، *تأملات سیاسی علامه طباطبایی*.
۷. شبیری زنجانی، سید موسی، *کتاب نکاح*، ج ۱۰، (قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، ۱۴۱۹).
۸. شهید ثانی، *مسالك الافهام*، ج ۱۴، (قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۷).
۹. علینقی، امیرحسین، *نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان*، (تهران: نی، ۱۳۷۸).
۱۰. فنایی، ابوالقاسم، *دین در ترازوی اخلاق*، (تهران: صراط، چ ۵، ۱۴۰۰).
۱۱. قافی، حسین و شریعتی، سعید، *اصول فقه کاربردی*، ج ۳، (قم: سمت، ۱۳۹۲).
۱۲. کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات*، ج ۲، (تهران: میزان، ۱۳۹۵).
۱۳. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه*، ج ۱، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶).
۱۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۱۵، (تهران: صدرا، ۱۳۸۸).
۱۵. ملکیان، مصطفی، *ایمان و تعقل* (درس گفتارهای فلسفه دین)، (قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸).
۱۶. منتظری، حسینعلی، *درس‌هایی از نهج‌البلاغه*، ج ۱۴، (قم: سرایی، ۱۳۹۷).
۱۷. موسی‌زاده، ابراهیم، *دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران* (اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان)، زیر نظر غلامحسین الهام، (تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰).
۱۸. نراقی، احمد، *رسائل و مسائل*، (قم: کنگره نراقیین ملامهدی و ملااحمد، ۱۴۲۲).
۱۹. نوبهار، رحیم، *اصول فقه* (مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن)، (تهران: میزان، ۱۳۹۹).

۲۰. ولایی، عیسی، قواعد فقهی، (قم: اندیشه مولانا، ۱۳۹۲).

– مقالات

۲۱. تقی‌زاده، جواد، «انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی با نگاهی به حقوق فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۴ (۱۳۸۸)، صص ۷۰-۹۷.
۲۲. حاجی‌پور، مرتضی، «حسن نیت تکلیفی در فقه امامیه»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۷ (۱۳۹۲)، صص ۳۱-۶۸.
۲۳. حبیب‌نژاد، سید احمد، «شرایط انتخاب‌شوندگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظام حقوق اساسی ایران با نگاهی تطبیقی»، علوم سیاسی، ش ۵۵ (۱۳۹۰)، صص ۹۹-۱۳۰.
۲۴. شهبازی، خیرالله، «بررسی شرایط انتخاب‌شوندگان در حقوق ایران»، مجلس و پژوهش، ش ۳۸ (۱۳۸۲)، صص ۱۷۵-۱۹۱.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۶ (۱۳۸۳)، صص ۳۲۹-۳۳۹.
۲۶. گرجی، ابوالقاسم، «اصل صحت عمل غیر»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۱۱۳۶ (۱۳۷۱)، صص ۹۱-۱۱۶.
۲۷. مرتضایی، سیداحمد، «پاسخ به شبهات نظارت استصوابی با رویکرد فقهی»، حکومت اسلامی، ش ۱ (۱۳۸۹)، صص ۱۳۵-۱۶۰.
۲۸. نوبهار، رحیم، «فرض برائت؛ چشم‌اندازی اسلامی»، در مردی از تبار خرد و فضیلت (مجموعه مقالات بزرگداشت مقام علمی دکتر سید مصطفی محقق داماد)، (تهران: فرهنگستان جمهوری اسلامی، ۱۳۹۵).
۲۹. یآوری، اسدالله، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، تحقیقات حقوقی، ش ۴ (۱۳۹۶)، صص ۲۱۳-۲۳۷.

(ب) عربی

– کتاب‌ها

۳۰. آملی، هاشم، مجمع الافکار، تقریر محمدعلی اسماعیل‌پور اصفهانی، ج ۴، (قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۹۵).

۳۱. اردبیلی، احمدبن محمد، *مجمع الفائدة والبرهان*، ج ۳، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴).
۳۲. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، ج ۳، (قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۳۷).
۳۳. خمینی، سید روح الله، *الرسائل*، ج ۱، (قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۰).
۳۴. خمینی، سید روح الله، *انوار الهدایه*، ج ۲، (قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۳).
۳۵. خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، (نجف: مطبعه الآداب، ۱۳۹۰).
۳۶. خویی، سید ابوالقاسم، *مصباح الاصول*، تقریر محمد سرور بهسودی، ج ۲، (قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۷).
۳۷. روحانی، سید محمد منتقی *الاصول*، تقریر سید عبدالصاحب حکیم، ج ۷، (قم: ناشر دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی، ۱۴۱۳-۱۴۱۶).
۳۸. شیرازی، محمدتقی، *حاشیه المکاسب*، ج ۱، (قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۲).
۳۹. طباطبایی قمی، سیدتقی، *الغایه القصوی فی التعلیق علی العروه الوثقی (کتاب الصوم)*، (قم: انتشارات محلاتی، ۱۴۱۷).
۴۰. طباطبایی، سید محمدحسین، *الغایه القصوی فی التعلیق علی العروه الوثقی (کتاب المضاربه)*، (قم: انتشارات محلاتی، ۱۴۲۳).
۴۱. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲ (قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی تا).
۴۲. طباطبایی، سیدعلی، *ریاض المسائل*، ج ۱۰، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰).
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، (تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲).
۴۴. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، (بیروت: دار احیاء تراث العربی، بی تا).
۴۵. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، *مسالك الافهام الی تنقیح سرائح الاسلام*، ج ۱۴، (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳).
۴۶. عاملی، سید محمدجواد، *مفتاح الکرامه*، ج ۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹).

۴۷. عراقی، ضیاء‌الدین، *نهایه الافکار*، تقریر محمدتقی بروجردی، ج ۵، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷).
۴۸. فاضل هندی، محمدبن حسن، *کشف اللتام*، ج ۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷).
۴۹. فیض کاشانی، محسن، *مفاتیح الشرایع*، ج ۲، (قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا).
۵۰. قمی، ابوالقاسم، *جامع الشتات*، ج ۴، (تهران: کیهان، ۱۳۷۱).
۵۱. کاشف‌الغطاء، جعفر، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء*، ج ۱، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۸۰).
۵۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳).
۵۳. محقق داماد، سید محمد، *کتاب الحج*، تقریر عبدالله جوادی آملی، ج ۲، (قم: مهر، ۱۴۰۱).
۵۴. مراغی، میر عبدالفتاح، *العناوین*، ج ۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۹).
۵۵. مغنیه، محمدجواد، *اصول الفقه فی ثوبه الجدید*، (قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۱).
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه*، ج ۱، (قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۲۱).
۵۷. مکی عاملی، محمدبن جمال‌الدین (شهید اول)، *الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه*، ج ۲، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴).
۵۸. موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، *القواعد الفقهیه*، ج ۱، (قم: الهادی، ۱۴۱۹).
۵۹. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۶، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱).
۶۰. نراقی، احمد، *عوائد الایام*، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷).
۶۱. وحید بهبهانی، محمدباقر، *حاشیه مجمع الفائده و البرهان*، (قم: مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷).
۶۲. وحید بهبهانی، محمدباقر، *مقام الفضل*، ج ۱، (قم: مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۲۱).
۶۳. همدانی، رضا، *مصباح الفقیه*، ج ۲، (بی‌جا: مکتبه الصدر، بی‌تا).

۶۴. یزدی، سید محمد کاظم، *العروه الوثقی*، ج ۳، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷).
۶۵. یزدی، سید محمد کاظم، *حائسیه المکاسب*، ج ۱، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷).

ج) انگلیسی

- Books

66. Miller, David, *Political Philosophy*, (UK: Oxford, 2003).
67. Popper, Karl, *The Open Society and Its Enemies*, (USA: Princeton, 2013).
68. The OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), *Guidelines for Reviewing a Legal Framework for Elections*, (Poland, 2013).

- Articles

69. Feldman, Richard, "Principle of Charity", *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, 1998.
70. Moran, Sean M., "The Presumption of Correctness: Should the Commissioner Be Required to Carry the Initial Burden of Production", *Fordham Law Review*, Vol. 55, Issue 6 (1987), pp. 1087-1108.

- روزنامه‌ها

۷۱. روزنامه اعتماد، ۱۳۹۲/۱۲/۱۲.
۷۲. روزنامه ایران، ش ۲۶۸۶، ۱۳۸۲/۱۰/۱۳.
۷۳. روزنامه بهار، ش ۹۶، ۱۳۹۲/۱/۲۴.
۷۴. روزنامه کیهان، ش ۱۷۴۷، ۱۳۸۱/۰۶/۱۷.
۷۵. روزنامه کیهان، ش ۱۷۷۹۷، ۱۳۸۲/۱۰/۱۵.
۷۶. اسماعیلی، محسن، نظارت قانونی، روزنامه همشهری، ش ۳۲۷۳، ۱۳۸۲/۱۰/۱۵.

- سایت‌ها

www.shora-gc.ir .۷۷

۷۸. اعرافی، علیرضا، درس خارج فقه روابط اجتماعی، ۱۳۹۸/۱/۲۱.
۷۹. اعرافی، علیرضا، درس خارج فقه روابط اجتماعی، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲.
۸۰. اعرافی، علیرضا، درس خارج فقه روابط اجتماعی، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲.
۸۱. بهجت، محمدتقی، درس خارج اصول فقه، ۱۳۸۷/۸/۶.
۸۲. شب‌زنده‌دار، مهدی، درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر، ۱۳۹۵/۱۲/۸.
۸۳. مقتدایی، مرتضی، درس خارج فقه، ۱۳۹۳/۱۰/۱۶.
۸۴. مکارم شیرازی، ناصر، درس خارج فقه حج، ۱۳۸۸/۲/۱۴.
۸۵. مکارم شیرازی، ناصر، درس خارج فقه حج، ۱۳۸۸/۱/۱۵.
۸۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود، درس خارج فقه زکات، ۱۳۹۱/۳/۹.